

استاد^۱

محقق^۲

والدین، زیست رسانه‌ای فرزندان و تربیت در عصر تفاوت نسلی

چکیده

عصر حاضر، عصر تحولات شگرف فناورانه و تغییرات سریع در الگوهای ارتباطی و زیست جهان کودکان و نوجوانان است. زیست رسانه‌ای جدید فرزندان، که با غوطه‌وری در فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های آنلاین تعریف می‌شود، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را فراروی والدین در امر تربیت قرار داده است. این چالش‌ها با تفاوت نسلی و شکاف در درک، ارزش‌ها و تجربیات میان والدین (عمدتاً مهاجران دیجیتال) و فرزندان (بومیان دیجیتال) تشدید می‌شود. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به بررسی ابعاد مختلف زیست رسانه‌ای فرزندان، تأثیرات آن بر هویت، روابط اجتماعی و سلامت روان آن‌ها، و نقش والدین در مدیریت این فضا می‌پردازد. همچنین، راهکارها و استراتژی‌های تربیتی متناسب با اقتضات عصر تفاوت نسلی، با تأکید بر اهمیت سواد رسانه‌ای، ارتباط همدلانه و ایجاد تعادل میان دنیای واقعی و مجازی، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. هدف اصلی، ارائه چارچوبی برای توانمندسازی والدین جهت هدایت فرزندان در این اکوسیستم رسانه‌ای پیچیده و تربیت نسلی مسئولیت‌پذیر، آگاه و برخوردار از سلامت دیجیتال است.

کلیدواژه‌ها: والدین، زیست رسانه‌ای، تربیت فرزند، تفاوت نسلی، شکاف نسلی، سواد رسانه‌ای،

۱. استاد :

۲. محقق: سیمین السادات جمال‌یفر

مقدمه

جهان امروز با سرعتی وصفناپذیر در حال دگرگونی است و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، به‌ویژه اینترنت و رسانه‌های دیجیتال، تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی بشر را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در این میان، کودکان و نوجوانان به‌عنوان فعال‌ترین کاربران این فناوری‌ها، در یک زیست رسانه‌ای کاملاً متفاوت از نسل‌های پیشین خود غوطه‌ورند. این زیست‌بوم جدید، فرصت‌های بی‌شماری برای یادگیری، خلاقیت و ارتباط فراهم آورده، اما در عین حال، مخاطرات و چالش‌های تربیتی جدیدی را نیز به همراه داشته است. از سوی دیگر، تفاوت نسلی یا شکاف نسلی که همواره یکی از دغدغه‌های جوامع بوده، در عصر دیجیتال ابعاد پیچیده‌تری یافته است. والدین که اغلب به‌عنوان مهاجران دیجیتال شناخته می‌شوند، با تجربیات، ارزش‌ها و مهارت‌های متفاوتی نسبت به فرزندان خود که بومیان دیجیتال هستند، مواجه‌اند. این تفاوت درک و تجربه از جهان رسانه‌ای، می‌تواند به سوءتفاهم، تعارض و ناکارآمدی در فرآیند تربیت منجر شود.

در چنین شرایطی، نقش والدین در راهبری و هدایت فرزندان در این زیست رسانه‌ای پیچیده و متغیر، اهمیتی دوچندان می‌یابد. والدین نیازمند کسب آگاهی، مهارت و اتخاذ رویکردهای تربیتی نوینی هستند که بتواند ضمن بهره‌گیری از فرصت‌های فضای مجازی، فرزندان را از آسیب‌های آن مصون داشته و به آن‌ها در جهت شکل‌گیری هویتی سالم و مسئولانه یاری رساند. این مقاله در صدد است تا با بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو، راهکارهایی عملی برای والدین در جهت تربیت مؤثر فرزندان در عصر تفاوت نسلی و زیست رسانه‌ای نوین ارائه دهد.

۱. زیست رسانه‌ای نوین فرزندان: ابعاد و ویژگی‌ها

زیست رسانه‌ای فرزندان امروز، اکوسیستمی چندوجهی و پویاست که عناصر مختلفی را در بر می‌گیرد:

غوطه‌وری در فضای مجازی:

کودکان و نوجوانان ساعات قابل توجهی از روز را در اینترنت، شبکه‌های اجتماعی (مانند اینستاگرام، تیک‌تاک، یوتیوب)، پیام‌رسان‌ها و پلتفرم‌های بازی آنلاین سپری می‌کنند. این فضا به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی، سرگرمی و حتی یادگیری آن‌ها تبدیل شده است.^۱

فضای مجازی به عنوان یک محیط پویا و چندوجهی، فرزندان را برای ساعات طولانی در خود غرق می‌کند. این فضا، ضمن ارائه فرصت‌های آموزشی و خلاقانه، شامل ابزارهای تعاملی، بازی‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که همواره در حال تحول و گسترش هستند. این غوطه‌وری می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی متعددی بر سلامت روان، قدرت تمرکز، پرورش خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی فرزندان داشته باشد، که این تحلیل‌ها مبتنی بر یافته‌های حوزه‌های رسانه و روانشناسی کودک است.

دسترسی آسان و همیشگی:

با گسترش تلفن‌های هوشمند و تبلت‌ها، دسترسی به محتوای آنلاین دیگر محدود به زمان و مکان خاصی نیست. این همیشه‌آنلاین بودن می‌تواند مرزهای میان زندگی واقعی و مجازی را کمرنگ سازد. این وضعیت، امکان بهره‌مندی فرزندان از منابع اینترنتی را در هر زمان و مکان فراهم آورده و محدودیت‌های زمانی و مکانی پیشین را از میان برداشته است. در نتیجه، فرصت‌های یادگیری و ارتباطی گسترده‌تر شده‌اند، اما همزمان، مخاطراتی نظیر اعتیاد به اینترنت، افزایش تنش‌های روانی و قرار گرفتن در معرض محتواهای نامناسب نیز بروز یافته‌اند.^۲

تولید و بازنشر محتوا:

برخلاف رسانه‌های سنتی که مخاطب عمدتاً مصرف‌کننده بود، در رسانه‌های نوین، کاربران، از جمله کودکان و نوجوانان، خود به تولیدکنندگان و بازنشرکنندگان فعال محتوا تبدیل شده‌اند. آن‌ها محتوای خود را در قالب‌های متنوعی چون تصاویر، ویدئوها، نقدها و پیام‌ها در پلتفرم‌های گوناگون منتشر می‌کنند. این فرآیند، ضمن پتانسیل بالایی که برای ترویج خلاقیت دارد، می‌تواند بستری برای سوءاستفاده، انتشار محتوای ناسالم، و همچنین ترویج اخبار کذب و شایعات فراهم آورد. الگوهای تولید و بازنشر به شدت تحت تأثیر

۱. کستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد ۱: جامعه شبکه‌ای، ص ۴۲۰.

۲. رک: مطالعات فرهنگ مصرف رسانه‌ای

الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی هستند و نقش آموزش و فرصت‌هایی برای ابراز وجود و خلاقیت فراهم می‌کند، اما نیازمند مسئولیت‌پذیری و آگاهی از پیامدهای آن است.^۱

شخصی‌سازی و الگوریتم‌ها:

الگوریتم‌های حاکم بر پلتفرم‌های دیجیتال، محتوایی متناسب با علایق و رفتارهای پیشین کاربر به او ارائه می‌دهند. این امر می‌تواند منجر به ایجاد حباب‌های فیلتری و اتاق‌های پژواک شود که فرد را از دیدگاه‌های متفاوت و متنوع محروم می‌سازد.^۲ به تعبیر دیگر فناوری‌های پیشرفته، با تکیه بر شناسایی علایق و الگوهای رفتاری کاربران، محتوا را به شکلی کاملاً شخصی‌سازی شده ارائه می‌دهند. این الگوریتم‌ها، که در پلتفرم‌هایی نظیر یوتیوب، اینستاگرام و تیک‌تاک به کار گرفته می‌شوند، تجربه کاربری را با ارائه محتوای متناسب با سلیقه‌ها و نیازهای فردی تسهیل می‌کنند. با این حال، همین شخصی‌سازی می‌تواند منجر به ایجاد «حباب‌های فیلتر» و محدود شدن دامنه دیدگاه‌ها شود، که این امر خطر محدودیت در تنوع فکری، تضعیف مهارت‌های تفکر انتقادی و افزایش مصرف بی‌رویه و منفعلانه محتوا را به دنبال دارد. این مسئله، لزوم آموزش آگاهانه و مبتنی بر نقد را برای فرزندان و والدین دوجندان می‌کند تا بتوانند تعادل مناسبی در استفاده از این الگوریتم‌ها برقرار سازند.

۲. تأثیرات زیست رسانه‌ای بر فرزندان

زیست رسانه‌ای فرزندان در دنیای امروز، یک اکوسیستم پیچیده است که تمام جنبه‌های رشد و تکامل آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیرات صرفاً مثبت یا منفی نیستند، بلکه مجموعه‌ای چندوجهی از فرصت‌ها و چالش‌ها را در بر می‌گیرند که بر اساس سن، شخصیت کودک، محیط خانواده و نحوه راهبری والدین متغیر است. البته برای کودکان و نوجوانان که در دوران حساس رشد قرار دارند، این تأثیرات به مراتب عمیق‌تر و پایدارتر است. در ادامه، این تأثیرات را در چهار حوزه اصلی بررسی می‌کنیم.

هویت‌یابی:

فضای مجازی به عرصه‌ای برای آزمایش هویت‌های مختلف و ابراز خود تبدیل شده است. با این حال، فشار برای ارائه تصویری ایده‌آل و کسب تأیید دیگران (لایک و فالوور) می‌تواند منجر به اضطراب، کاهش عزت نفس و شکل‌گیری هویت دیجیتالی شکننده شود.^۳ در این محیط، آن‌ها فرصت می‌یابند تا جنبه‌های مختلفی از شخصیت خود را که شاید در دنیای واقعی امکان بروز آن را نداشته باشند، کشف و تجربه کنند.

۱. جنکینز، هنری، فرهنگ مشارکتی: جایی که رسانه‌های قدیم و جدید با هم برخورد می‌کنند، ص ۵.

۲. پاریزر، الی، حباب فیلتر: آنچه اینترنت از شما پنهان می‌کند، ص ۹.

۳. ترکل، شری، تنهایی با هم: چرا ما بیشتر از تکنولوژی انتظار داریم و کمتر از یکدیگر؟ ص ۱۵۱.

ساختن پروفایل‌ها، انتخاب آواتارها، پیوستن به گروه‌های هواداری و ایفای نقش در بازی‌های آنلاین، همگی ابزارهایی برای آزمون و خطای هویتی هستند. فرزندان می‌توانند هویت‌های جنسیتی، اجتماعی، فرهنگی و علاقمندی‌های متفاوتی را بدون قضاوت‌های فوری که در محیط فیزیکی وجود دارد، بیازمایند و از این طریق به درک عمیق‌تری از خود واقعی‌شان دست یابند. این فرآیند، به ویژه در دوران گذار نوجوانی، می‌تواند به شکل‌گیری یک هویت منسجم و پویا کمک شایانی کند.^۱

با این حال، این فرآیند هویت‌یابی دیجیتال خالی از خطر نیست. پدیده «مقایسه اجتماعی» در شبکه‌های اجتماعی بسیار پررنگ است؛ جایی که نوجوانان خود را دائماً با نسخه‌های ایده‌آل و ویرایش‌شده‌ای از زندگی همسالان و اینفلوئنسرها مقایسه می‌کنند. این امر می‌تواند به شدت بر عزت نفس و تصویر بدنی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد و منجر به اضطراب، افسردگی و حس عدم کفایت شود. علاوه بر این، گمنامی نسبی در فضای آنلاین می‌تواند به شکل‌گیری «هویت‌های کاذب» و بروز رفتارهای ضداجتماعی منجر شود که با شخصیت واقعی فرد در تضاد است. این دوگانگی میان «خود آنلاین» و «خود آفلاین» می‌تواند موجب سردرگمی هویتی و تنش‌های روانی شود و اهمیت راهبری والدین در جهت ایجاد تعادل و تفکر انتقادی را بیش از پیش نمایان می‌سازد.^۲

روابط اجتماعی:

زیست رسانه‌ای، پارادایم روابط اجتماعی فرزندان را به کلی دگرگون کرده است. ارتباطات دیگر محدود به تعاملات چهره به چهره در مدرسه، محله یا خانواده نیست. پلتفرم‌های دیجیتال به فرزندان امکان می‌دهند تا با دوستان خود به صورت مستمر در ارتباط باشند، روابط راه دور را حفظ کنند و مهم‌تر از آن، گروه‌های دوستی جدیدی بر اساس علایق مشترک (مانند بازی‌های ویدیویی، موسیقی یا هنر) تشکیل دهند که شاید در محیط جغرافیایی خود هرگز نمی‌یافتند. این شبکه‌ها می‌توانند «سرمایه اجتماعی پیوندهنده» را با تقویت روابط موجود و «سرمایه اجتماعی پل‌زننده» را با ایجاد ارتباط با افراد و دیدگاه‌های متنوع، افزایش دهند و حس تعلق و حمایت اجتماعی را در نوجوانان تقویت کنند.^۳

از سوی دیگر، کیفیت این روابط دیجیتال همواره مورد بحث بوده است. اتکال بیش از حد به ارتباطات متنی و تصویری می‌تواند به تضعیف مهارت‌های کلیدی ارتباط غیرکلامی، مانند درک زبان بدن، لحن صدا و برقراری تماس چشمی، منجر شود. این امر ممکن است توانایی فرزندان برای مدیریت تعارضات و برقراری

۱. ترکل، شری. تنها در جمع: چرا از فناوری بیشتر و از یکدیگر کمتر انتظار داریم، ص ۱۴۹.

۲. قاسمی، حمید. جامعه‌شناسی جوانان و رسانه‌های دیجیتال. ج ۱، ص ۱۱۵.

۳. بوید، دینا. پیچیده است: زندگی اجتماعی نوجوانان شبکه‌ای شده، ص ۸۵.

تنظیم قوانین و مرزهای مشخص با مشارکت فرزندان:

به جای تحمیل قوانین یک طرفه، بهتر است والدین با مشارکت فرزندان (متناسب با سن آنها) قوانینی برای استفاده از رسانه‌های دیجیتال وضع کنند. این قوانین می‌تواند شامل محدودیت زمانی استفاده، نوع محتوای مجاز، مکان‌های مجاز برای استفاده (مثلاً عدم استفاده در اتاق خواب یا هنگام صرف غذا) و اهمیت حفظ اطلاعات شخصی باشد. این قوانین باید متناسب با رشد فرزند و تغییر شرایط، انعطاف‌پذیر بوده و مورد بازنگری قرار گیرند.^۱

نظارت فعال و راهنمایی کننده :

به جای نظارت پنهانی یا ممنوعیت صرف، والدین می‌توانند با فرزندان خود در فعالیتهای آنلاین مشارکت کنند، بازی‌های مورد علاقه آنها را بشناسند یا با هم به تماشای محتوای مناسب بپردازند. این استفاده مشترک فرصتی برای گفتگو و آموزش فراهم می‌کند.^۲ پس از مواجهه فرزند با محتوای خاص (مثبت یا منفی)، والدین می‌توانند با او در مورد آن گفتگو کرده و به او در تحلیل و فهم بهتر آن کمک کنند.

الگوی مثبت بودن:

رفتار خود والدین در استفاده از رسانه‌های دیجیتال، بهترین الگو برای فرزندان است. والدینی که خود به طور مداوم سرگرم تلفن همراه هستند یا قوانین تعیین شده را رعایت نمی‌کنند، نمی‌توانند انتظار رفتار متفاوتی از فرزندان خود داشته باشند.^۳

تشویق به فعالیتهای آفلاین و تعادل:

والدین باید فرزندان را به فعالیتهای ورزشی، هنری، اجتماعی و گذراندن وقت در طبیعت تشویق کنند تا تعادلی میان زندگی آنلاین و آفلاین آنها برقرار شود. این امر به رشد همه‌جانبه و سلامت جسمی و روانی آنها کمک می‌کند.

استفاده از ابزارهای کنترلی والدین به عنوان مکمل:

نرم‌افزارها و تنظیمات کنترلی والدین می‌توانند به عنوان یک لایه کمکی برای فیلتر کردن محتوای نامناسب یا مدیریت زمان استفاده مفید باشند، اما هرگز نباید جایگزین گفتگو، آموزش و نظارت فعال شوند.

۱. فلوریدی، لوچیانو، اخلاق اطلاعات، ص ۱۸۰.

۲. لیوینگستون، سونیا و هلسپر، الن، راهبردهای میانجی‌گری والدین در استفاده کودکان از اینترنت: بررسی عوامل تعیین‌کننده و انواع آن، ص ۳۰۹.

۳. بندورا، آلبرت، نظریه یادگیری اجتماعی، فصل ۲: یادگیری مشاهده‌ای

نتیجه‌گیری

تربیت فرزندان در عصر حاضر، با ظهور زیست رسانه‌ای نوین و تشدید تفاوت‌های نسلی، به امری پیچیده و پرچالش تبدیل شده است. غوطه‌وری کودکان و نوجوانان در دنیای دیجیتال، ضمن ارائه فرصت‌هایی برای یادگیری و ارتباط، می‌تواند مخاطراتی جدی برای هویت، سلامت روان و روابط اجتماعی آن‌ها به همراه داشته باشد. والدین به‌عنوان اولین و مهم‌ترین مربیان، نقشی بی‌بدیل در هدایت فرزندان خود در این مسیر پرفراز و نشیب دارند.

بحث حاضر، تصویری چندوجهی از «زیست رسانه‌ای فرزندان» را ترسیم کرد که در آن، فضای مجازی نه صرفاً یک ابزار، بلکه یک زیست‌بوم تمام‌عیار است؛ محیطی که در آن هویت‌ها شکل می‌گیرند، روابط اجتماعی بازتعریف می‌شوند، سلامت روان و جسم به چالش کشیده می‌شود و فرآیندهای شناختی دستخوش تحولات بنیادین می‌گردند. تحلیل این ابعاد نشان داد که این زیست‌بوم، سرشار از دوگانگی‌هاست: از یک سو، آزمایشگاه هویت و میدانی برای یادگیری خودراهبر و گسترش سرمایه اجتماعی است و از سوی دیگر، بستری برای مقایسه‌های اجتماعی فرسایشی، سطحی شدن روابط، حواس‌پرتی دیجیتال و مخاطرات جسمانی. این چشم‌انداز پیچیده و متناقض، به خودی خود برای هر نسلی چالش‌برانگیز است، اما هنگامی که از دریچه شکاف نسلی به آن نگریسته می‌شود، عمق و ابعاد این چالش‌ها دوچندان می‌گردد.

افزودن بحث چالش‌های والدین به این معادله، تصویر را کامل‌تر و تحلیل را عمیق‌تر می‌کند. این بخش نشان داد که مشکلات فرزندان در فضای مجازی و چالش‌های والدین، دو مسئله جداگانه نیستند، بلکه دو روی یک سکه‌اند که یکدیگر را تشدید می‌کنند. عدم آشنایی کافی والدین با فناوری، آن‌ها را از ایفای نقش به عنوان یک راهنمای آگاه در «آزمایشگاه هویت» فرزندان‌شان باز می‌دارد و توانایی آن‌ها برای آموزش تفکر انتقادی در برابر اطلاعات نادرست را تضعیف می‌کند. شکاف در ارزش‌ها و هنجارها، درک متقابل از ماهیت «روابط اجتماعی» آنلاین را ناممکن می‌سازد و گفتگوی سازنده در مورد پدیده‌هایی چون قلدری مجازی یا فرهنگ اینفلوئنسری را به تقابل و سوءتفاهم فرو می‌کاهد.

به همین ترتیب، دشواری در نظارت و کنترل، عملاً والدین را در مدیریت پیامدهای «سلامت روان و جسم» فرزندان، از جمله اعتیاد به اینترنت و اختلالات خواب، ناتوان می‌سازد و رویکردهای افراطی (کنترل شدید یا رهاسازی کامل) را جایگزین همراهی متعادل می‌کند. در نهایت، همه این موارد در یک احساس عدم درک متقابل ریشه‌دار می‌شود؛ جایی که فرزندان، نگرانی‌های والدین را ناشی از «به‌روز نبودن» و والدین، رفتارهای فرزندان را «بی‌معنا» یا «خطرناک» تلقی می‌کنند. این خلاء ارتباطی، دقیقاً همان فضایی است که مخاطرات دیجیتال در آن رشد می‌کنند و فرصت‌ها به تهدید تبدیل می‌شوند.

بنابراین، راه برون‌رفت از این وضعیت پیچیده، نه در تقابل، انکار فناوری یا تلاش برای بازگشت به گذشته، بلکه در تغییر پارادایم از «کنترل یک‌جانبه» به «همراهی آگاهانه» نهفته است. این گذار مستلزم چند حرکت اساسی است: والدین نیازمند توانمندسازی و کسب «سواد رسانه‌ای» هستند، نه لزوماً برای تبدیل شدن به متخصصان فنی، بلکه برای فهم فرهنگ، زبان و منطق حاکم بر دنیای دیجیتال فرزندان‌شان. خانواده باید به فضایی امن برای گفتگو در مورد تجارب آنلاین (هم مثبت و هم منفی) تبدیل شود. این امر نیازمند گوش دادن فعال از سوی والدین و تلاش برای درک «معنای» این فعالیت‌ها برای فرزندان است. هدف نهایی فرزندپروری دیجیتال، نصب یک «کنترل‌گر بیرونی» نیست، بلکه پرورش یک «قطب‌نمای درونی» است. این قطب‌نما از طریق آموزش تفکر انتقادی، تاب‌آوری دیجیتال، اخلاق‌مداری و مهارت تشخیص محتوای معتبر از نامعتبر در فرزندان شکل می‌گیرد.

در نهایت، زیست رسانه‌ای فرزندان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر است. چالش اصلی، تبدیل خانواده از یک میدان تقابل نسلی به یک «تیم همکار» برای مسیریابی در این زیست‌بوم جدید است. در این تیم، تجربه و خرد والدین با مهارت و شهود دیجیتال فرزندان ترکیب می‌شود تا هر دو نسل در کنار یکدیگر، مهارت‌های لازم برای یک شهروندی دیجیتال مسئولانه را بیاموزند و از فرصت‌های بی‌شمار آن بهره‌مند شده و در برابر مخاطراتش مصون بمانند.

فهرست منابع

۱. احمدی، علی. (۱۳۹۸). والدین و چالش‌های تربیت فرزند در عصر دیجیتال (جلد ۱). تهران: انتشارات رشد.
۲. ایتو، میزوکو. و همکاران. (۲۰۱۰). وقت‌گذرانی، سرگرمی و غرقگی: زندگی و یادگیری کودکان با رسانه‌های نوین. انتشارات ام‌آی‌تی. فصل «دوستی و صمیمیت».
۳. باکینگهام، دیوید. (۱۳۹۵). کودکان در عصر رسانه‌های دیجیتال. (ترجمه سعید سبزیان). تهران: انتشارات سمت.
۴. بندورا، آلبرت. (۱۹۷۷). نظریه یادگیری اجتماعی. نیوجرسی: انتشارات پرنیتس هال.
۵. بوید، دینا. (۲۰۱۴). پیچیده است: زندگی اجتماعی نوجوانان شبکه‌ای شده. انتشارات دانشگاه ییل.
۶. پاریزر، الی. (۲۰۱۱). حباب فیلتر: آنچه اینترنت از شما پنهان می‌کند. نیویورک: انتشارات پنگوئن پرس.
۷. پرنسکی، مارک. (۲۰۰۱). بومیان دیجیتال، مهاجران دیجیتال. مجله فناوری آموزشی، جلد ۹، شماره ۵.
۸. ترکل، شری. (۲۰۱۱). تنهایی با هم: چرا ما بیشتر از تکنولوژی انتظار داریم و کمتر از یکدیگر؟. نیویورک: انتشارات بیسیک بوکز.
۹. جنکینز، هنری. (۲۰۰۶). فرهنگ مشارکتی: جایی که رسانه‌های قدیم و جدید با هم برخورد می‌کنند. نیویورک: انتشارات دانشگاه نیویورک.
۱۰. دانایی‌فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ و آذر، عادل. (۱۳۹۲). قلدری مجازی: ماهیت، پیامدها و راهکارهای مقابله. فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال پنجم، شماره ۱۸.
۱۱. ساروخانی، باقر. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۲. سازمان بهداشت جهانی. (۲۰۱۹). رهنمودهای سازمان جهانی بهداشت در مورد فعالیت بدنی، رفتارهای کم‌تحرک و خواب برای کودکان زیر ۵ سال. ژنو: سازمان بهداشت جهانی.
۱۳. صادقی، مریم. (۱۳۹۳). شکاف نسل‌ها: ریشه‌ها و پیامدها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. فرقانی، محمدمهدی. (۱۳۹۴). سواد رسانه‌ای: مفاهیم و کاربردها. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۵. فلورییدی، لوچیانو. (۲۰۱۳). اخلاق اطلاعات. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
۱۶. کار، نیکلاس. (۲۰۱۰). کم‌عمق‌ها: آنچه اینترنت با مغز ما می‌کند. نیویورک: انتشارات نورتون.

۱۷. کستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، جلد اول: جامعه شبکه‌ای. (ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز). تهران: انتشارات طرح نو.
۱۸. گوردون، توماس. (۱۳۸۵). والدین کارآمد. (ترجمه مهرداد فیروزبخت). تهران: نشر دایره.
۱۹. لیوینگستون، سونیا و هلسپر، الن. (۲۰۰۸). راهبردهای میانجی‌گری والدین در استفاده کودکان از اینترنت: بررسی عوامل تعیین‌کننده و انواع آن. مجله ارتباطات، جلد ۵۹، شماره ۲،
۲۰. یونسکو. (۲۰۱۱). سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی: برنامه درسی برای معلمان. پاریس: یونسکو.